

The Role of NGOs in the European Court of Human Rights Mechanism

(Type of Paper: Research Article)

Morteza Kamel Navab ¹*, Gholamali Ghasemi ²

Abstract

International non-governmental volunteered organization is a self-established non-profit organization which follows up common interests. Non-governmental organizations' role-playing and activities which are inherently try to fulfill common interests are significant and they are identified in different levels of participation such as friend of the court (amicus curiae), plaintiff and plaintiff representative. Meanwhile according to the European Conventions of Human Rights and its attached protocols especially Protocol No. 11 as well as judicial process which has been formed in the courts which is the main resource of the present study, the possibility of non-governmental organizations' participation has been identified in three forms of joining a third party, plaintiff and plaintiff representative and this is why one can talk about extended role-playing of international non-governmental organizations in this judicial system.

Keywords

European Convention of Human Rights, European Court of Human Rights, International Non- Governmental Organizations, role-playing

1. Ph.D. Student in Public Law, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: MortezaKamel@yahoo.com

2. Associate Prof, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: g.ghasemi43@gmail.com

Received: 13 February, 2019 - Accepted: 21 October, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نقش سازمان‌های غیردولتی در فرایند رسیدگی دیوان اروپایی حقوق بشر

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

مرتضی کامل نواب^{۱*}، غلامعلی قاسمی^۲

چکیده

سازمان غیردولتی بین‌المللی نهادی داوطلبانه، مستقل و غیرانتفاعی است که منافع عمومی را دنبال می‌کند. نقش آفرینی سازمان‌های غیردولتی که ذاتاً به دنبال تحقق خیر عمومی‌اند، امروزه در نظام‌های حقوقی مختلف شایان توجه بوده و این سازمان‌ها را در سطوح مختلف مشارکت، شناسایی کرده‌اند. در این میان، نقش سازمان‌های یادشده در دیوان اروپایی حقوق بشر بسیار حائز اهمیت می‌نماید. در این باره، براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های ضمیمه آن، به‌خصوص پروتکل شماره ۱۱ و براساس رویه قضایی شکل گرفته در دیوان اروپایی حقوق بشر که از جمله منابع اصلی این مطالعه است، مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دعاوی این دیوان به سه شکل میسور دانسته شده است که عبارت‌اند از شاکی، نماینده شاکی و یارداگاه و از این حیث می‌توان از نقش آفرینی گسترده سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در این نظام قضایی سخن گفت. موضوع نوشتار پیش رو، بررسی چند و چون چنین مشارکتی است.

کلیدواژگان

دیوان اروپایی حقوق بشر، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نقش آفرینی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Mortezakamel@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: g.ghasemi43@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

مقدمه

سازمان‌های غیردولتی کنشگران شناخته‌شده‌ای در زمینه توسعه و حمایت از حقوق بشر در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند. هرچند به واسطه اختلاف دیدگاه‌های نسبتاً عمیق از سوی دولت‌ها در زمینه شخصیت حقوقی این سازمان‌ها، رویه‌های متفاوتی در عمل ایجاد شده است، اما به واسطه ویژگی‌های ممتاز سازمان‌های غیردولتی همچون اهداف غیرانتفاعی، تأسیس رسمی، سازماندهی غیردولتی و در نتیجه اقدامات مؤثر این سازمان‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر نمی‌توان نقش و کارکرد این نهاد را در عرصه بین‌المللی نادیده گرفت.^۱ سازمان‌های غیردولتی در سطح داخلی، از یک طرف مدافع خواست مردم در مقابل دولت و در تلاش برای وادار کردن دولت به تأمین آنها هستند و از طرف دیگر، مانع تعرض دولت به حقوق افراد و حامی حقوق مردم هستند. آنها در سطح بین‌المللی نیز از طریق بسیج افکار عمومی و انجام فعالیت‌های گوناگون توجه جامعه جهانی را به خواست و نیازهای اساسی شهروندان جلب کرده، زمینه را برای تغییر شرایط و بهبود وضعیت شهروندان در سطح جهانی و در درون کشورها فراهم می‌کنند (بیگزاده و غضنفری، ۱۳۹۱: ۵۲-۳۳).

حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آنها محقق می‌شود (رضائی، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۵۳). چشم‌انداز و عملکرد این سازمان‌ها می‌تواند محلی، ملی، منطقه‌ای یا جهانی باشد. برخی از آنها موضوع محور و تعدادی دیگر وظیفه‌محور و بالأخره گروهی مبتنی بر دیدگاه‌های مذهبی‌اند (Jessica, 1997: 53). به‌طور معمول سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی توسط افراد تشکیل می‌شوند و این افراد بر کارکرد آنها حاکم‌اند. افرادی که دارای منافع مشترک در زمینه خاصی‌اند یا در حرفه مشترکی کار می‌کنند، ممکن است این نیاز را احساس کنند تا سازمان‌هایی را در سطح بین‌المللی تشکیل دهند تا بتوانند در جهت حمایت از منافع مشترک خود اقدام کنند (طلایی، ۱۳۸۹: ۳۱).

در تعریفی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی گفته شده سازمان‌هایی هستند که از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر از دولت‌ها تشکیل می‌شوند (مشهدی و تسخیری، ۱۳۹۲: ۲۶). اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد^۲ در تعریف سازمان غیردولتی می‌گوید به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علایق مشترک آن را اداره می‌کنند. تعابیر متفاوتی در مورد سازمان غیردولتی مطرح شده است. عباراتی که بر گونه‌های وسیعی از این سازمان‌ها قابل اعمال است، شامل انجمن‌های

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی ر.ک:

Lester M. Salamon & Helmut K. Anheier (1996). *The Emerging Nonprofit Sector An Overview*, Manchester: Manchester University Press.

2. The Department of Public Information (DPI)

داوطلبانه^۱، انجمن‌های غیرانتفاعی^۲، سازمان‌های داوطلبانه^۳، سازمان‌های مردمی^۴، سازمان‌های حامی مردم^۵ و سازمان‌های مردم‌نهاد^۶ است (غضنفری، ۱۳۹۴: ۸۸). ظهور سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان بازیگری در سطوح ملی و بین‌المللی از دهه ۱۹۶۰ به بعد قسمتی از یک ضرورت طبیعی در نظام بین‌المللی و واکنشی در مقابل ناتوانی آن در تأمین عدالت و نیازهای بشری، امنیت، مداخلات بشردوستانه، حقوق بشر و دیدگاه‌های انعطاف‌ناپذیری که فقط در پی احترام به حاکمیت سرزمینی بوده‌اند، محسوب می‌شود (Held, 1995: 266-286).

در خصوص شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دیدگاه‌ها و رویکردهای متنوعی وجود دارد. برخی اندیشمندان حقوق بین‌الملل با توجه به تکالیف و حقوقی که بر عهده سازمان‌های غیردولتی است، به تحلیل شخصیت حقوقی این سازمان‌ها پرداخته‌اند. در حال حاضر دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، دادگاه آفریقا و تا حدودی دیوان دادگستری اروپایی حق رجوع مستقیم برای طرح شکایت را به این سازمان‌ها در مواردی که قربانی مستقیم نقض حقوق قرار گرفته باشند، اعطا کرده‌اند (Lindblom, 2014: 262). به‌جز رویه‌های قضایی مذکور، رویه قراردادی نیز به سازمان‌های غیردولتی حقوقی اعطا کرده‌اند. از جمله کنوانسیون استراسبورگ خواستار شناسایی سازمان‌های ثبت‌شده در هریک از کشورهای عضو، در سایر کشورهای عضو شده است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز در جای‌جای مقررات خود به نقش‌پذیری و نقش‌آفرینی کمیته بین‌الملل صلیب سرخ اشاره کرده‌اند (توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). حوادث ناگوار و وقایع ضد بشری در جنگ جهانی دوم، موجب شکل‌گیری نظامی جدید در فضای حقوق بین‌الملل شد. تشکیل ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و همچنین صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ از جمله اتفاقاتی است که در این دوره و در ارتباط با حوادث مذکور شکل گرفت. از این تاریخ به بعد شاهد تلاش‌های جهانی و منطقه‌ای در راستای تعریف و تبیین حقوق و آزادی‌های بشر در قالب کنوانسیون‌ها و معاهدات متعددی همچون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۷، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۸، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها^۹ و اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام^{۱۰} هستیم.

1. Voluntary Associations
2. Nonprofit Associations
3. Private Voluntary Organizations
4. Peoples Organizations
5. Grassroots Support Organizations
6. Grassroots Organizations
7. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms
8. The American Convention on Human Rights, also known as the Pact of San José
9. African Charter on Human and Peoples' Rights
10. Cairo Declaration on Human Rights in Islam

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ به‌عنوان سومین سند رسمی مصوب توسط شورای اروپا^۱ با عضویت کشورهای که بیشترین صدمات را در طول سال‌های دو جنگ جهانی متحمل شده بودند، در رم به تصویب رسید. اگرچه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اولین سند بین‌المللی نبود که در زمینه حقوق بشر تدوین شده بود، لیکن این کنوانسیون را می‌توان نخستین سند حقوق بشری دانست که نهادی قضایی را در جهت نظارت و کنترل قضایی بر حسن اجرای یک قرارداد بین‌المللی پیش‌بینی کرده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۲۹). در این خصوص لازم است به سند بسیار مهم دیگری نیز اشاره شود و آن کنوانسیون اروپایی شناسایی شخصیت حقوقی برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی^۲ مصوب ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ است. اهمیت این کنوانسیون در این نکته است که این سند، اولین مورد در جهت به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است و براساس آن این ایده مطرح شده است که می‌توان ویژگی‌های لازم به‌منظور ایجاد یک سازمان غیردولتی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی را در یک معاهده بین‌المللی مشخص کرد تا هر سازمان غیردولتی با کسب آن ویژگی‌ها خودبه‌خود از این امتیاز برخوردار شود (قاسمی و تسخیری، ۱۳۹۶: ۲۴۳-۲۱۵).

باید دانست در زمان نگارش کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سازمان‌های غیردولتی بازیگران مؤثری در عرصه بین‌المللی نبودند. هرچند در این مقطع شاهد وجود و فعالیت برخی از این سازمان‌ها هستیم، اما تعداد و تأثیرگذاری آنها زیاد نبود. تعداد سازمان‌های غیردولتی در دهه هشتاد به سرعت رشد کرد. بر این اساس تعداد سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر از ۵۰ مورد در سال ۱۹۴۰ به بیش از ۴۰۰ مورد در سال ۲۰۰۰ رسید (Rietveld, 2015: 5). سازمان‌های غیردولتی در دادگاه‌های حقوق بشری در نظام‌های قضایی موجود در چند شکل ممکن است مشارکت کنند. این سازمان‌ها ممکن است به‌عنوان شاکی، نماینده شاکی، شاهد، دوست دادگاه یا ورود ثالث به‌عنوان ارائه‌دهنده اطلاعات کارشناسی به ایفای نقش بپردازند (Shelton, 1994: 611-642). بر این اساس لازم است با مراجعه به اسناد موجود از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های ضمیمه آن و همچنین رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر به تحلیل نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی بپردازیم تا روشن شود این سازمان‌ها در نظام قضایی حقوق بشر اروپایی بیشتر در چه قالبی فعال‌اند و دامنه نقش‌آفرینی آنها چه مواردی است.

1. Council of Europe

2. European Convention on the Recognition of the Legal Personality of INGOs

دیوان اروپایی حقوق بشر و جایگاه نهادهای غیردولتی در آن؛ گذر از مواع صلاحیتی

اهمیت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در میان دیگر نمونه‌های مشابه در این نکته است که این معاهده اولین سند پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در آن ضمن به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های متعدد، سازوکار قضایی منطقه‌ای مورد نیاز به منظور حفظ و حراست از حقوق مذکور، در قالب دیوان اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده است (Eynde, 2013: 271-313). جامعیت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از جمله در خصوص پیش‌بینی نهادهای ناظر بر اجرای آن، موجب شده است این سند منطقه‌ای به الگویی برای دیگر اسناد مشابه در سطح بین‌المللی تبدیل شود. نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بر عهده کمیسیون اروپایی حقوق بشر^۱، کمیته وزیران^۲، شورای اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است که مهم‌ترین این نهادها، دیوان اروپایی حقوق بشر است. این دیوان به موجب ماده ۱۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ تأسیس شده است و براساس مواد کنوانسیون مزبور و پروتکل‌های ضمیمه آن فعالیت می‌کند. مطابق همین ماده، وظیفه اصلی این دیوان، تضمین احترام به تعهدات ناشی از کنوانسیون و پروتکل‌های آن است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۳۳۳).

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذیل بخش دوم از ماده ۱۹ تا ۵۱ به دیوان اروپایی حقوق بشر، قوانین و آیین کار آن به‌عنوان نهاد ناظر بر رعایت حقوق و آزادی‌های مورد اشاره در این سند پرداخته شده است. ماده ۱۹ مربوط به تأسیس این نهاد است و مقرر می‌دارد به‌منظور کسب اطمینان از نظارت بر تعهدات طرف‌های متعهد کنوانسیون و پروتکل‌های مربوط به آن، دیوان اروپایی حقوق بشر باید تأسیس شود.

در تشریح و معرفی دیوان اروپایی حقوق بشر براساس آنچه در کنوانسیون بیان شده و نیز به موجب اصلاحات بعدی به‌خصوص تغییرات مورد اشاره در پروتکل شماره ۱۱^۳، به‌اختصار می‌توان گفت این دادگاه سابقاً با سازوکاری دومارحله‌ای (کمیسیون و دادگاه) اداره می‌شد، ولی به‌دلیل تعدد شکایات واصله و زمان بر بودن مکانیسم دومارحله‌ای، اصلاح شد. در نهایت برای حل مشکل مذکور ایجاد دادگاه تمام‌وقت مورد موافقت قرار گرفت (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۳۶-۱۰۵). دیوان اروپایی حقوق بشر در دو زمینه دارای صلاحیت است: رسیدگی به شکایات در

1. European Commission of Human Rights

2. Committee of Ministers of the Council of Europe

۳. به موجب این پروتکل دادگاه واحد تمام‌وقت، جایگزین نظام دوگانه کمیسیون اروپایی و دادگاه شد، نقش قضایی کمیته وزیران لغو شد و شعب رسیدگی در دادگاه افزایش یافت.

خصوص نقض حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های ضمیمه آن (بند ۳ ماده ۳۵) و همچنین ارائه آرای مشورتی (ماده ۴۷) در خصوص تفسیر اسناد مذکور. ارکان دیوان اروپایی حقوق بشر شامل دبیرخانه و دفتر دیوان به‌عنوان ارکان اداری، کمیته‌ها، شعب و شعبه عالی به‌عنوان ارکان قضایی و نیز بخش‌ها و دادگاه متشکل از اعضا که به‌نوعی ارکان شبه‌قضایی‌اند، است. یکی از موضوعات مهم در خصوص این دادگاه ملاک پذیرش دادخواست است که در ماده ۳۵ کنوانسیون شرایط آن ذکر شده است. براساس بند ۱، دیوان تنها در صورتی امکان پذیرش شکایت را دارد که تمامی تلاش‌ها برای دادخواهی در سطح ملی به نتیجه نرسیده باشد. طبق بند ۲ دیوان به شکایت اشخاص و سازمان‌های غیردولتی ناشناخته و فاقد نام رسیدگی نمی‌کند. همچنین در صورتی که دادخواست ارائه‌شده به دیوان به‌سبب ماهوی شبیه به مواردی باشد که قبلاً توسط آن رسیدگی شده و فاقد اطلاعات جدید باشد، رد می‌شود. در بند ۳ این ماده مجدداً بر محدودۀ صلاحیت قضایی دیوان تأکید شده و شکایات در خصوص نقض حقوق بشر در موارد خارج از حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های وابسته غیرمسموع اعلام شده است. در زمینه صلاحیت این دادگاه در پروتکل شماره ۱۵ مصوب ۲۰۱۳ نوآوری‌ها در اصول حقوقی که پیش از آن در تعدادی از گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر اروپایی و نیز دیوان اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته بود، اشاره شده است که عبارت‌اند از اصل مکمل بودن صلاحیت دیوان^۲ که عده‌ای از آن به اصل فرعی نیز تعبیر کرده‌اند^۳، همچنین دکتترین حاشیه مجاز یا صلاحید^۴. آیین کار و قواعد رسیدگی دیوان^۵ نیز در ۱۰۴ قاعده در ۱۹۹۸ به تصویب دادگاه متشکل از تمامی قضات رسید که حاوی مسائل مهمی چون نحوه کارکرد دادگاه، تشکیل شعب، کمیته‌ها و شعبه عالی، صدور رأی، علنی بودن دادگاه، تحقیقات و راه‌حل دوستانه است.

۱. شایان ذکر است پروتکل‌های شماره ۱، ۴، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۳ پس از آنکه سازمان ملل به تصویب میثاق مدنی و سیاسی و میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ اقدام کرد، به تصویب شورای اروپا رسید و دامنه حقوق و آزادی‌های مورد حمایت کنوانسیون را تا حد زیادی گسترش داد.

2. The Principle Of Subsidiarity

۳. اصل Subsidiarity را برخی نویسندگان به معنای اصل مکمل بودن و برخی دیگر آن را اصل فرعی نامیده‌اند (لین و مک دونالد، ۱۳۸۰: ۹۹) در توضیح این اصل گفته شده است براساس زمینه اجراشده در خصوص کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اصل فرعی به معنای صلاحیت فرعی ورود دادگاه در مواردی که مقامات داخلی در انجام وظایف خود در خصوص اعمال حقوق مندرج در کنوانسیون ناتوان باشند، در غیر این صورت باید گفت وظیفه اصلی و اولیه رعایت این حقوق بیش و پیش از دادگاه بر عهده طرف‌های متعاقد کنوانسیون است. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Gabriel Füglistaler, The Principle Of Subsidiarity And The Margin Of Appreciation Doctrine In The European Court Of Human Rights Post, IDHEAP - Unité Droit public, 2016 ۲۰۱۱ Jurisprudence

4. The Margin of Appreciation Doctrine

5. Rules of Procedure of the European Court of Human Rights

امکان‌سنجی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر

در خصوص نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های قضایی بین‌المللی نظرهای مختلفی ارائه شده است. در یک تقسیم‌بندی پنج نقش متفاوت زیر برای این سازمان‌ها ارائه شده است: نقش شاکی و ارائه‌دهنده دادخواست، نقش مشاوره‌ای و ارائه نظر، نقش نمایندگی از سوی فرد یا گروه قربانی، ارائه‌دهنده اطلاعات و شواهد و در نهایت نقش حمایتی و عملیاتی (Haddad, 2012: 126-149). در تقسیم‌بندی دیگر سه نقش اساسی در قالب نظام‌های حقوق بشر منطقه‌ای^۱ برای این سازمان‌ها پیش‌بینی شده است که عبارت‌اند از: نقش شاکی به‌عنوان طرفی که خود قربانی نقض حقوق بشر مندرج در اسناد و معاهدات بین‌المللی شده است، نقش نمایندگی از سوی قربانیان مدعی نقض حقوق بشر و در نهایت نقش شخص ثالث در قالب یار دادگاه^۲ یا مداخله‌گر (Lloyd Hitoshi, 2011: 54).

در خصوص نقش اخیر یعنی یار دادگاه گفته شده است حالتی که مراجع قضایی از یک شخصیت دعوت به‌عمل می‌آورند تا اطلاعات و مشاهدات خاص خود را به‌منظور روشن شدن موضوع و یافتن راه‌حل در اختیار آنها بگذارد (Salmon, 2001: 62-63). امروزه مشارکت یار دادگاه در عمده محاکم بین‌المللی با وجود تفاوت در آیین و شیوه مشارکت مذکور، مورد پذیرش واقع شده است. دیوان حقوق بشر اروپایی، دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر^۳، سازوکار حل اختلافات سازمان تجارت جهانی و دیوان کیفری بین‌المللی از جمله مواردی است که مشارکت نهاد یار دادگاه در آنها مورد پذیرش واقع شده است (Dolidze, 2016: 851-880).

طبیعی است که نظام‌های حقوق بشری موجود قواعد و آیین‌های دادرسی مختص به خود را دارند که ضمن آن به معرفی نهادهای شناخته‌شده به‌منظور مراجعه به کمیسیون و دادگاه و نیز سطوح مشارکت و مداخله این نهادها که عبارت‌اند از شاکی، نماینده قربانی نقض حقوق بشر و نیز شخص ثالث، پرداخته شده است. البته باید توجه داشت که اقدامات سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های فعال در زمینه حقوق بشر به نقش‌های پیش‌گفته در چارچوب نظام‌های حقوق بشری محدود نمی‌شود، بلکه در عمل ثابت شده است این سازمان‌ها در صورت وجود محدودیت مراجعه به‌عنوان یک نهاد شناخته‌شده، می‌توانند از طرق غیررسمی همچون مذاکره و لابی با دیگر نهادهای رسمی در اعلام شکایت یا ترغیب دولت‌ها به تغییر قواعد مربوط به آیین‌های دادرسی و قضایی و نیز کمک‌رسانی در تحقیقات مربوط به شکایات واصله نیز بر دادگاه تأثیرگذار باشند (Rietveld, 2015: 20).

۱. نظام‌های حقوق بشری که در سطح منطقه‌ای و فراتر از یک دولت فعالیت دارند، اغلب شامل نظام اروپایی، آفریقایی و آمریکایی است که هر سه همزمان دارای کمیسیون و دادگاه حقوق بشری هستند. هرچند نظام حقوقی اروپا از سال ۱۹۹۸ به‌صورت دادگاه واحد دائمی درآمد.

2. Amicus Curiae
3. IACHR

هرچند در زمان تأسیس دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ هیچ دسترسی مستقیمی برای اشخاص و گروه‌ها وجود نداشت، اما امروزه میراث سرشاری از مشارکت اشخاص و سازمان‌ها در این نهاد دیده می‌شود (Cichowski, 2016: 891). در دوره‌ای که اشخاص و گروه‌ها از جمله سازمان‌های غیردولتی امکان مراجعه مستقیم به دیوان اروپایی حقوق بشر را نداشتند، می‌توانستند با ارائه شکایت به کمیسیون اروپایی حقوق بشر موارد نقض حقوق مندرج در کنوانسیون را از سوی دولت‌های متعاقد اعلام کنند. کمیسیون در صورتی که تشخیص می‌داد شکایت قابل پذیرش است و همچنین از طریق روش‌های دوستانه^۱ حل‌شدنی نیست، آن را به دیوان ارائه می‌کرد. نکته شایان توجه اینکه در چنین حالتی این کمیسیون بود که طرف شکایت در نظر گرفته می‌شد و نه افراد یا گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی که شکایت را به کمیسیون ارائه داده بودند. البته دیوان برای شاکی اصلی که افراد خصوصی و گروه‌ها بودند، معمولاً امکانی را فراهم می‌کرد که در فرایند دادرسی شرکت کنند. از سال ۱۹۸۹ افراد و گروه‌ها از جمله سازمان‌های غیردولتی این حق را پیدا کردند که پس از درخواست از رئیس دیوان به منظور حسن اجرای امور دادرسی، ورود کنند. از آن تاریخ رئیس دیوان این فرصت را برای اشخاص و سازمان‌های غیردولتی فراهم کرد که بتوانند شکایت را به نام خود در نظام قضایی اروپا به جریان بیندازند (GOMIEN, 1996: 42). با تصویب پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ کمیسیون اروپایی که سابقاً از سوی اشخاص و گروه‌ها و از جمله سازمان‌های غیردولتی نزد دیوان اروپایی حقوق بشر اقامه دعوا می‌کرد حذف شد، اما همزمان صلاحیت افرادی که حق اقامه دعوا در دیوان را داشتند، بسیار گسترده شد. این پروتکل ضمن اصلاح ماده ۳۴ کنوانسیون امکان دریافت شکایت از افراد، سازمان‌های غیردولتی یا گروهی از اشخاص را که قربانی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون بودند، به رسمیت شناخت. براساس این ماده دیوان می‌تواند نسبت به دریافت درخواست‌ها از طرف هر شخص، سازمان غیردولتی یا گروهی از اشخاص که مدعی‌اند قربانی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های مربوط به آن از سوی هریک از طرف‌های متعاقد شده‌اند، اقدام کند. طرف‌های معاهده متعهد می‌شوند در راه اجرای مؤثر این حق از هیچ طریق مانعی ایجاد نکنند.^۲

همچنین به موجب بند ۲ ماده ۳۶ که توسط پروتکل شماره ۱۱ اصلاح شد، این اختیار به رئیس دیوان داده شد که از دولت‌هایی که طرف دعوا نیستند یا هر شخص مرتبطی که شاکی نیست، به منظور ارائه مکتوب نظرها یا استماع با هدف اجرای مناسب عدالت دعوت کند. در بند

1. Friendly Settlement

2. Protocol 11, supra note 27, art. 34; Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, art. 34, Nov. 4, 1950, 213 U.N.T.S. 221, amended by Protocol 11, supra note 27, and Protocol No. 14 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, May 13, 2004.

۲ ماده ۳۶ آمده است که رئیس دیوان هریک از کشورهای متعاقد که طرف شکایت در پرونده نبوده و یا هر شخص مرتبطی که شاکی نیست، ولی حضورشان در جهت تحقق شایسته عدالت کمک می‌کند، به‌منظور ارائه مکتوب نظرها یا استماع دادرسی دعوت می‌کند. در خصوص تفسیر دیوان از شرایط مندرج در این بند دو نکته وجود دارد. همان‌گونه که گفته شد، رئیس دیوان در مواردی چنین اختیاری دارد که در جهت اجرای مناسب‌تر عدالت باشد و نیز توسط هر کدام از اعضای کنوانسیون یا افرادی که خواهان نبوده، اما مرتبط با پرونده هستند، صورت گیرد. دلیل شرط اول مشخص است و در خصوص آن استفاده تخصصی از سازمان‌های غیردولتی که در زمینه خاصی فعالیت می‌کنند، مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر، شرط ارتباط تا حدودی تعجب‌آور است. در دو پرونده مرتبط به زمان پیش از آغاز به کار نظام جدید، تفسیر مضیق‌تری از واژه ارتباط ارائه شده بود، اما در سال‌های اخیر دیوان صرف وجود منفعت کلی در پرونده را نیز برای مشارکت کافی تلقی می‌کند (عبیری، ۱۳۹۱: ۹۶-۷۱). در این خصوص ذیل بررسی نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش رویکرد موسع دیوان در پذیرش مشارکت سازمان‌های غیردولتی و تفسیر این دیوان از شرط ارتباط را مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

براساس ماده ۳۴ اصلاح‌شده در پروتکل شماره ۱۱ سازمان‌های غیردولتی که به‌عنوان شاکی نقض حقوق بشری مندرج در کنوانسیون قصد حضور در دادگاه دارند، باید همچون دیگر افرادی که برای شکایت در دیوان به رسمیت شناخته شده‌اند، دادخواست رسمی خود را مبتنی بر قواعد کنوانسیون و نیز قوانین دیوان اروپایی تنظیم و ارائه کنند. نکته شایان توجه در این زمینه این است که براساس آنچه در متن ماده مذکور ذکر شده است، شکایت سازمان‌های غیردولتی علیه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون باید الزاماً مبتنی بر نقض حقوق بشر مندرج در کنوانسیون علیه خود آن سازمان غیردولتی باشد و نقض این حقوق علیه افراد و گروه‌هایی که سازمان‌های غیردولتی به نمایندگی از ایشان در دیوان شکایت کرده‌اند، خارج از متن ماده ۳۶ برداشت می‌شود. در صورت پذیرش چنین دیدگاهی سازمان‌های غیردولتی تنها در صورتی که شخصاً مورد نقض حقوق بشر واقع شوند، امکان مراجعه به دیوان خواهند داشت و نه به نمایندگی از اشخاص و گروه‌هایی که قربانی نقض این حقوق شده‌اند. این در حالی است که در کنوانسیون و پروتکل‌های ضمیمه آن مواد مشخصی از حقوق بشر در خصوص سازمان‌های غیردولتی ذکر نشده که در صورت تعدی از سوی دولت‌های متعاقد مورد اعتراض این سازمان‌ها قرار گیرد. دیدگاه دیگر در خصوص مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر می‌گوید توسعه نهادهایی که امکان ارائه شکایت به این دیوان را دارند، براساس ماده ۳۴ کنوانسیون، این امکان را برای سازمان‌های غیردولتی فراهم آورده است که به نمایندگی از سوی اشخاص و گروه‌هایی که مدعی‌اند از سوی یکی از اعضای کنوانسیون قربانی نقض حقوق بشر شده‌اند، اقدام به شکایت کنند. رویه دیوان به‌خصوص در سال‌های اخیر نشان

داده است که در شرایط خاص و استثنایی^۱ چنین امکانی برای سازمان‌های غیردولتی در نظر گرفته شده است.^۲

نکته دیگر اینکه سازمان‌های غیردولتی مذکور در این ماده باید واجد شخصیت حقوقی لازم باشند و برای مثال در یکی از کشورهای عضو به‌طور رسمی به ثبت رسیده باشند. البته استثنای این قاعده در زمانی است که شکایت سازمان غیردولتی در خصوص نقض حقوق آن از سوی یک کشور عضو کنوانسیون در جهت تأسیس آن سازمان غیردولتی است که در این حالت علی‌رغم عدم ثبت و تأسیس رسمی سازمان غیردولتی می‌تواند اعلام شکایت کند. یافته‌های یک بررسی در میان شکایات انجام‌گرفته به دیوان اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد از ابتدای سال ۲۰۰۰ تا پایان ۲۰۰۹ تعداد ۱۰۰۶۷ مورد رأی در این دادگاه صادر شده است که از این میان در ۳۹۴ مورد یعنی چیزی حدود ۴ درصد کل آراء، سازمان‌های غیردولتی در شکل‌های مختلفی درگیر پرونده بوده‌اند. تحلیل این آراء قضایی نشان می‌دهد سازمان‌های غیردولتی بیشترین مشارکت را در قالب نماینده^۳ فرد یا گروه قربانی یعنی چیزی حدود ۳۰۵ مورد، صورت داده‌اند. پس از آن ۵۱ مورد از مشارکت این سازمان‌ها در قالب شاکی^۴ و سپس ۴۹ مورد مشارکت در قالب ورود به دادرسی^۵ ثبت شده است (Lloyd Hitoshi, 2011: 54).

پس از بررسی مواد کنوانسیون لازم است مروری هم بر قواعد دیوان^۶ اروپایی داشته باشیم. این مقررات در ۱۰۴ قاعده در سال ۱۹۹۸ با حضور تمامی قضات به تصویب دیوان رسید و در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۶ آخرین اصلاحات بر آن اعمال شده است. در این قواعد به موضوعات مختلفی در خصوص نحوه تشکیل دیوان اروپایی حقوق بشر و آیین دادرسی آن و از جمله نحوه مشارکت سازمان‌های غیردولتی در آن پرداخته شده است. در ماده ۱ که واژگان کلیدی همچون کنوانسیون، دادگاه متشکل از کل اعضا^۸ و شعبه عالی^۹ تعریف شده است، شاکی یا طرف شکایت^{۱۰} به دو معنا بیان می‌شود. بر این اساس واژه طرف یا طرف‌ها یا به معنای دولت‌های مسئول و متعاقد است یا شاکی شامل اشخاص، سازمان‌های غیردولتی یا گروهی از

1. Exceptional Circumstances

۲. در این خصوص در ادامه با ذکر نمونه‌های قابل توجه به تحلیل رویه دادگاه خواهیم پرداخت.

3. Representative

4. Applicant

5. Intervener

۶. آمار کل مشارکت سازمان‌های غیردولتی در پژوهش مذکور که ۳۹۴ مورد ارائه شده است، از جمع مشارکت این سازمان‌ها در قالب‌های سه‌گانه نماینده، شاکی و ورود ثالث کمتر است. علت این امر به این مسئله باز می‌گردد که در برخی موارد مشارکت این سازمان‌ها در بیش از یک قالب صورت گرفته است.

7. Rules of Court

8. Plenary Court

9. Grand Chamber

10. Party

افراد که شکایت خود را تحت ماده ۳۴ کنوانسیون تسلیم می‌کنند. بلافاصله در بند بعد به تعریف شخص ثالث پرداخته شده است. تعبیر شخص ثالث به معنای دولت‌های متعاقد یا هر شخص مرتبط یا کمیسر شورای اروپا در حقوق بشر است که براساس ماده ۳۶ کنوانسیون، حق ثبت یادداشت مکتوب و اعلام نظر و نیز شرکت در جلسه استماع را دارد.^۱ می‌توان گفت این دو بند از قاعده اول دیوان به روشنی نقش آفرینی سازمان غیردولتی را در قالب شاکی و ورود ثالث بیان می‌کنند. در اینجا ابتدا سازمان غیردولتی، افراد و گروه‌های مردم در کنار دولت‌های عضو معاهده، براساس ماده ۳۴ کنوانسیون به‌عنوان شاکی معرفی می‌شود و در ادامه که به تعریف شخص ثالث پرداخته شده، با ذکر عبارت هر شخص^۲ امکان مشارکت سازمان‌های غیردولتی در کنار دیگر افراد و گروه‌هایی که حضورشان در دادگاه با تشخیص قاضی، به اجرای بهتر عدالت کمک می‌کند^۳، مورد توجه قرار گرفته است.

در دستورالعمل اجرایی دیوان اروپایی حقوق بشر که توسط رئیس دیوان و با هدف تنظیم و دسته‌بندی آیین قضایی آن ابلاغ می‌شود، ملاحظاتی در شیوه تسلیم دادخواست از سوی سازمان‌های غیردولتی بیان شده است. برای نمونه بند ۴۸ این دستورالعمل می‌گوید اشخاص حقوقی شامل شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌ها می‌شود، که شکایت‌نامه تقدیم دیوان می‌کنند، باید از طریق نمایندگی آن شخصیت حقوقی اقدام کنند. به این منظور باید نماینده مذکور بخش مرتبط با معرفی نماینده را در فرم شکایت‌نامه تکمیل کرده و اطلاعات تماس و نسبت خود را با آن شخص حقوقی مشخص کند.^۵

آشکال مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند رسیدگی دیوان

اروپایی حقوق بشر

در آخرین گام از تحلیل نقش سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی نمونه‌هایی از مشارکت این سازمان‌ها در برخی از پرونده‌های مهم می‌پردازیم. نکته شایان توجه اینکه در این بررسی سه نقش اصلی در مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر یعنی نماینده شاکی، شاکی و شخص ثالث که پیش از این در اسناد و قوانین حقوق بشری

۱. بندهای p و q ماده ۱ قواعد دیوان اروپایی حقوق بشر.

2. Any person

3. Interest Of the Proper Administration Of Justice

4. Institution of proceedings

۵. وبسایت دیوان (بسه آدرس: www.echr.coe.int/Pages/home.aspx?p=basictexts/rules&c)

#n1347875693676_pointer دستورالعمل اجرایی را چنین تعریف کرده است:

Practice directions are issued by the President of the Court to provide clarification on aspects of the Court's procedure

بررسی شد، مبتنی بر پرونده‌ها و تصمیمات دیوان تحلیل و بررسی می‌شود. به این منظور گزارش‌های سالانه دیوان با عنوان خلاصه رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر^۱ را که به معرفی پرونده‌های مهم و تعیین‌کننده در رویه قضایی این دادگاه می‌پردازد، در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ بررسی کردیم. در ادامه ضمن مرور پرونده‌های مذکور نحوه مشارکت سازمان‌های غیردولتی در نظام قضایی حقوق بشر اروپایی تحلیل و ارزیابی می‌شود.

۱. مشارکت سازمان غیردولتی در دیوان در قالب نمایندگی (شکایت سازمان غیردولتی کمیته هلسینکی علیه دولت بلغارستان)^۲

این نمونه از مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر به پرونده شکایت سازمان غیردولتی هلسینکی علیه دولت بلغارستان مربوط می‌شود. این شکایت در خلاصه گزارش دیوان در سال ۲۰۱۶ ذیل عنوان کلی صلاحیت قضایی و پذیرش شکایت^۳ ذکر شده است و در واقع به پذیرش شکایت سازمان غیردولتی از سوی دیوان مربوط است. در این پرونده سازمان مردم‌نهاد هلسینکی به واسطه مرگ دو نوجوان بیمار ذهنی در مراکز نگهداری بیماران اقدام به طرح شکایت در دیوان اروپایی حقوق بشر می‌کند. این سازمان مردم‌نهاد با توجه به اینکه مادران این دو نفر از کودکی آن‌ها را در مراکز نگهداری بیماران ذهنی رها کرده و عملاً با فوت آن‌ها هیچ فردی در مقام حمایت از حقوق تضییع شده آنها نخواهد بود، نسبت به کوتاهی صورت گرفته در امر درمان و مراقبت از این نوجوانان از مراکز نگهداری مربوطه شکایت کرد. این در حالی است که براساس ماده ۳۴ کنوانسیون که پیش از این تحلیل شد، مراجعه افراد و سازمان‌های غیردولتی به دیوان در صورتی که به طور مستقیم قربانی نقض حقوق بشر مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های ضمیمه آن واقع شده باشند، پیش‌بینی شده است و اگر اقدام سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان نماینده شاکی مطرح باشد، لازم است این نمایندگی به‌طور رسمی انجام پذیرد. درحالی‌که در اینجا ادعای نقض حقوق بشر نه از سوی قربانیان یا نمایندگان رسمی ایشان، بلکه توسط یک سازمان غیردولتی صورت گرفت که هیچ‌گونه سمت نمایندگی از سوی قربانیان نداشت. این سازمان با استناد به مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر معتقد بود مرگ این دو نوجوان با کوتاهی در درمان و مراقبت از آنها از سوی مرکز نگهداری بیماران رخ داده است. دیوان برای رسیدگی به این شکایت به مقایسه این مورد با پرونده شکایت آقای کامپیانو علیه دولت رومانی^۴ پرداخت. این شکایت مربوط به سال ۲۰۱۴ بود و در آن دادگاه تأکید کرد فقط در شرایط

1. Overview Of The Case-Law Of The European Court Of Human Rights

2. Bulgarian Helsinki Committee v. Bulgaria

3. Jurisdiction And Admissibility

4. Valentin Câmpeanu v. Romania

استثنایی^۱ پذیرش شکایت از طرفی که نه به‌طور مستقیم و نه غیرمستقیم قربانی تعدی به حقوق بشر باشد، امکان‌پذیر است و در نتیجه پذیرش شکایت مورد قبول دیوان قرار گرفت، چراکه در آن پرونده به‌دلیل فقدان وارث یا نماینده قانونی جهت ارائه دادخواست امکان طرح دعوا فراهم نبود و در نتیجه اقدام سازمان غیردولتی مرکز منابع قانونی^۲ در خصوص دفاع از حقوق آقای کامپیانو تأیید دیوان شد. در نتیجه مطالعه تطبیقی پرونده مذکور با مورد شکایت سازمان هلسینکی، دیوان اقدام سازمان مردم‌نهاد هلسینکی را در اقامه دعوا به نمایندگی از قربانیان نقض حقوق بشر با این استدلال که حمایت از حقوق نقض‌شده قربانیان این پرونده نیز از مسیر دیگری امکان‌پذیر نیست، تأیید و بیان کرد مورد مذکور مشابه شکایت مربوط به سازمان غیردولتی مرکز منابع قانونی است (ECHR Rep, 2016: 14).

۲. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان در قالب یارداگاه (ارائه اطلاعات و گزارش‌ها از سوی سازمان‌های غیردولتی در شکایت آقای سکر علیه دولت یونان)^۳

این مورد از فعالیت سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر به شکایت فردی با تابعیت افغان علیه دولت یونان بازمی‌گردد. این شکایت در گزارش دیوان در سال ۲۰۱۶ ذیل عنوان تحقیقات مؤثر^۴ ذکر شده است. در این پرونده شاکی از سوی یک گروه مسلح در مرکز شهر آتن مورد حمله قرار می‌گیرد و به‌شدت آسیب می‌بیند. این فرد که به‌دلیل ترس از مجازات دولت متبوعش بابت دیدگاه‌های سیاسی خود به‌طور غیرقانونی وارد یونان شده بود، در اثر این حمله به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شد و پس از مرخصی از بیمارستان بازداشت و در انتظار اخراج از یونان بود. وی در یونان علیه ضارب‌ان اعلام شکایت کرد، ولی دولت یونان به‌واسطه ورود غیرقانونی او از انجام تحقیقات قضایی در خصوص حمله صورت‌گرفته سر باز زد.

پس از عدم حصول نتیجه از شکایت در دادگاه داخلی، پیرو شکایت متقاضی به دیوان اروپایی حقوق بشر، این دادگاه به جمع‌آوری گزارش‌هایی در این خصوص اقدام کرد و از جمله گزارش‌های متنوعی از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و همچنین برخی مؤسسات یونانی مبنی بر انجام حمله‌های مشابه به افراد غیریونانی در مرکز شهر آتن دریافت کرد. گزارش‌های ارسال‌شده از سوی سازمان‌های غیردولتی به دیوان، الگویی پرتکرار از حمله به افراد خارجی توسط گروه‌های افراطی را ترسیم کرد. در نتیجه دیوان به این نتیجه رسید که حملات انجام‌گرفته دارای ماهیت نژادپرستانه بوده و گزارش‌های پلیس یونان فاقد جنبه‌های مختلفی از حادثه رخ داده از جمله موقعیتی که حمله در آن رخ داده است (از حیث تعدد انجام حملات

1. Exceptional circumstances

2. The Centre for Legal Resources

3. Sakir v. Greece

4. Effective investigation

نژادپرستانه توسط گروه‌های افراطی) و نیز شناسایی ضاربان بود. دیوان تأکید کرد در موقعیتی که احتمال رخ دادن حوادث نژادپرستانه می‌رود، تحقیقات رسمی باید با قوت و جدیت دنبال شود تا احتمال هرگونه تبانی از اقدامات این‌چنینی از میان برداشته شود (ECHR, 2016: 27).

مطابق آنچه در این پرونده رخ داد، می‌توان گفت سازمان‌های غیردولتی نقش بسیار مؤثری در اقناع دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص کوتاهی پلیس یونان به‌منظور انجام تحقیقات مؤثر در این پرونده و موارد مشابه آن ایفا کردند. این مشارکت از سوی سازمان‌های غیردولتی در قالب بند ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون که پیش از این تحلیل شد، قابل بحث است. براساس این بند رئیس دیوان می‌تواند در جهت تحقق دادرسی عادلانه، از دولت‌ها و اشخاص از جمله سازمان‌های غیردولتی که در پرونده مذکور درگیر نیستند، به‌منظور ارائه نظر و استماع جلسات دعوت کند. اغلب مشارکت‌ها به‌عنوان یاردادگاه، در قضایای مربوط به حق دادرسی منصفانه، آزادی اطلاعات، توقیف خودسرانه و سلب‌کننده آزادی اشخاص است. در رویه این دیوان، ارائه‌کنندگان اطلاعات در مقام یاردادگاه، هم دولت‌هایی هستند که در پرونده مورد اختلاف طرف دعوا نیستند و هم مشابه پرونده مذکور، سازمان‌های غیردولتی که خود را ذی‌نفع در قضیه می‌دانند. در بیشتر موارد، سازمان‌های حقوق بشری که از نوعی ظرفیت کارشناسی در یک زمینه خاص برخوردارند، مانند عفو بین‌الملل در مورد شکنجه، مجازات اعدام و ناپدید شدن اجباری اجازه ثبت لایحه پیدا می‌کنند. لوایح یاردادگاه نزد این دیوان، علاوه‌بر امور موضوعی دعوا، شامل پیشنهادها، حقوقی، استدلال‌های حقوق تطبیقی، استدلال‌های راجع به وقایع و موضوع‌های مبتنی بر حقوق داخلی و رویه دولت؛ اموری که از جنبه حکمی قضیه نیز کمک شایانی به قضاوت دیوان می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۵۵-۴۵۴).

۳. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان در قالب شاکی (شکایت خانم گاسیوا به نمایندگی از هیأت مدیره انجمن حمایت از حیوانات علیه دولت بلغارستان)^۱

این پرونده در گزارش سال ۲۰۱۵ دیوان اروپایی حقوق بشر ذیل عنوان حق دریافت و انتشار اطلاعات^۲ ذکر شده است. این حق به موجب ماده ۱۰ کنوانسیون که در خصوص آزادی بیان است، شناسایی شده است. در این پرونده خانم گاسیوا عضو هیأت مدیره انجمن حمایت از حیوانات و نماینده دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد بلغارستان در پی بدرفتاری مأموران شهرداری در طرح جمع‌آوری حیوانات ولگرد درصدد پیگیری نقض حقوق حیوانات برآمد، اما با مخالفت شهردار ویدین^۳ جهت دستیابی به اطلاعات طرح مزبور روبه‌رو شد. وی ابتدا از شهردار این شهر

1. The Guseva v. Bulgaria

2. Right to receive and impart information

3. Vidin

به واسطه عدم صدور مجوز دسترسی به اطلاعات مربوط به جمع‌آوری حیوانات ولگرد به دادگاه اداری بلغارستان شکایت کرد، ولی پس از صدور آرای اولیه و نهایی و بی‌توجهی شهردار به رأی صادره در سال ۲۰۱۵ با استناد به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر به دیوان اروپایی اعلام شکایت کرد. دیوان اروپایی حقوق بشر ضمن محکومیت دولت بلغارستان در ممانعت از دسترسی اطلاعات مربوط، نکات مهمی را ذیل رسیدگی به این پرونده اعلام کرد. بخشی از این نکات عبارت‌اند از:

۱. ماده ۱۰ کنوانسیون را نمی‌توان به‌عنوان تضمینی عمومی برای دسترسی به اطلاعات فرض کرد، هرچند در این ماده بر انتشار اطلاعات و همچنین حق عمومی دریافت اطلاعات تأکید شده است (با اینکه این ماده از کنوانسیون تضمینی مطلق برای دسترسی به اطلاعات محسوب نمی‌شود، ولی بر دو حق اساسی انتشار و دریافت اطلاعات اشاره می‌کند).

۲. در این حکم گفته شده است جمع‌آوری اطلاعات برای خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر اقدامی مقدماتی^۱ محسوب می‌شود و این افراد به‌عنوان نگهبانان عمومی بدون دسترسی به این اطلاعات نمی‌توانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند.

۳. همچنین در زمانی که شاکی یک انجمن و سازمان غیردولتی با هدف پیگیری منافع عمومی به‌عنوان نگهبان عمومی^۲ باشد، در واقع همچون رسانه‌ها اقدام کرده است (با اینکه سازمان‌های غیردولتی که در جهت منافع عمومی تلاش می‌کنند رسانه محسوب نمی‌شوند و امتیازات رسانه‌ها از جمله حق دسترسی به اطلاعات به‌صورت طبیعی شامل حال آنها نمی‌شود، با این حال این سازمان‌ها در حکم نگهبان عمومی‌اند و می‌توانند از برخی امتیازهای مرتبط با رسانه‌ها که در اینجا دستیابی به اطلاعات مورد نیاز است، بهره‌مند شوند). از این حیث شاکی به‌عنوان عضوی از یک سازمان غیردولتی فعال در زمینه حقوق حیوانات حق دسترسی به اطلاعات مرتبط با نحوه رفتار شهرداری با حیوانات ولگرد را دارد تا از این رهگذر بتواند نقش خود را در آگاهی‌بخشی و مشارکت در گفت‌وگوهای عمومی جامعه در زمینه منافع عمومی^۳ ایفا کند. در واقع در این حکم دیوان اشعار می‌دارد ایجاد فضای گفت‌وگوی عمومی در جامعه صرفاً کارکرد رسانه‌ها و مطبوعات نیست، بلکه ممکن است این نقش از سوی سازمان‌های غیردولتی که فعالیتشان زمینه‌ساز آگاهی‌بخشی عمومی است نیز اعمال شود (ECHR, 2015: 110). اهمیت این نمونه در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر به این مورد برمی‌گردد که براساس آن می‌توان سازمان‌های غیردولتی را که برای منافع عمومی تلاش می‌کنند، در حکم نگهبانان عمومی تلقی کرد و برخی حقوق مرتبط با رسانه‌های عمومی همچون حق دسترسی به اطلاعات را برای این سازمان‌ها محفوظ دانست.

1. preparatory step
2. public watchdogs
3. Public Interest

۴. مشارکت سازمان غیردولتی در دیوان در قالب نمایندگی (شکایت سازمان غیردولتی مرکز منابع قانونی علیه دولت رومانی)^۱

این نمونه در گزارش سالانه دیوان اروپایی حقوق بشر تحت عنوان شاخص‌های پذیرش شکایت^۲ در سال ۲۰۱۴ انتشار یافت و اهمیت آن به سبب توسعه رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر است. به همین دلیل با اینکه به سبب نوع مشارکت سازمان‌های غیردولتی مشابه نمونه اول است، به شرح آن می‌پردازیم. این پرونده مربوط می‌شود به شکایت یک سازمان بین‌المللی غیردولتی علیه دولت رومانی. در این پرونده شاکی که سازمان غیردولتی مرکز منابع قانونی^۳ است، با اینکه خود قربانی نقض حقوق بشر نشده بود و موضوع نیز مربوط به منفعت عمومی نبود و همچنین از سوی فرد قربانی که مورد سوء رفتار از سوی مراکز درمانی و بیمارستانی رومانی واقع شده بود، برخوردار از سمت نمایندگی نبود، نسبت به اقامه دعوا اقدام کرده بود. شاکی با استناد به اینکه در دوران نگهداری از قربانی که به انواع بیماری‌های ذهنی و ایدز مبتلا بوده، هیچ‌گونه کمک حقوقی برای رسیدگی به وضعیت او از سوی دولت صورت نگرفته است، در خصوص کوتاهی‌های صورت گرفته نسبت به وضعیت وی از دولت رومانی شکایت کرد.

نظر دیوان در این خصوص شایان توجه است، چراکه دولت رومانی با استناد به اینکه این سازمان غیردولتی از سوی قربانی به نمایندگی انتخاب نشده است، صلاحیت آن را برای اقامه دعوا قبول نداشت. با این حال دیوان با استناد به بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صلاحیت سازمان غیردولتی را در این پرونده به نمایندگی از فرد فوت شده علی‌رغم نبود رابطه نمایندگی تأیید کرد. در رأی مربوط ضمن تأیید و شناسایی رویه‌های ویژه همچون پذیرش سمت نمایندگی از سازمان غیردولتی در موارد خاصی چون این پرونده، محافظت از منافع افرادی که به دلیل بیماری ذهنی توان دفاع از خود را ندارد، به‌عنوان دلیل این پذیرش معرفی شده است.

بنابر توضیحاتی که در مقدمه گزارش سالانه آرای دیوان اروپایی حقوق بشر ارائه شده است، نکته حائز اهمیت در این پرونده این است که چنین امری برای اولین بار در تاریخ این دیوان رخ داده که یک سازمان غیردولتی بدون هیچ‌گونه سمت نمایندگی از سوی فردی که مورد نقض حقوق بشر واقع شده است، طرح شکایت می‌کند. همچنین متأثر از این پرونده تأکید شده است، اقدامات حمایتی حقوقی از سوی دولت‌ها باید برای افرادی که به دلیل مشکلات ذهنی قادر به دفاع از خود نیستند، پیش‌بینی و به‌کارگیری شود (ECHR, 2014: 14).

1. Centre for Legal Resources on behalf of Valentin Câmpeanu v. Romania

2. Admissibility Criteria

3. The Centre for Legal Resources

نتیجه‌گیری

براساس آنچه در این تحقیق از میان گزارش‌های سالانه دیوان در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ با عنوان خلاصه رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر^۱ بررسی و تحلیل شد، می‌توان گفت سازمان‌های غیردولتی در نظام قضایی حقوق بشر اروپایی در قالب سه نقش کلیدی زیر می‌توانند مشارکت داشته باشند: نقش شاکی، مشابه آنچه در پرونده شکایت خانم گاسیوا به نمایندگی از هیأت مدیره انجمن حمایت از حیوانات علیه دولت بلغارستان بررسی شد؛ نقش نمایندگی همان‌گونه که در پرونده شکایت سازمان غیردولتی مرکز منابع قانونی علیه دولت رومانی مطالعه شد و نیز نقش مداخله ثالث در قالب یاردادگاه که در شکایت آقای سکر علیه دولت یونان از طریق ارائه اطلاعات و گزارش‌ها از سوی سازمان‌های غیردولتی محقق شد. در واقع رویه شکل‌گرفته در دیوان و تعداد دعاوی مطرح در آن که به‌نوعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی همراه بوده است، به‌خوبی منعکس‌کننده پذیرش حضور و مشارکت فعال سازمان‌های غیردولتی در زمینه حمایت از حقوق بشر است؛ امری که نقش مهمی در کشف حقیقت و تحقق عدالت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر به‌همراه داشته است.

هدف از این تحقیق اکتفا به تبیین مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر نیست، بلکه ایجاد زمینه فکری برای تأمل و مطالعه در خصوص امکان‌سنجی اجرای الگوی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های اداری در ایران است. البته این نکته را باید روشن کرد که منظور از اجرای این سازوکار، پذیرش و اعمال همه ارزش‌ها و مقررات حقوق بشر اروپایی از نظر محتوا و ماهیت نیست؛ چه اینکه تفاوت‌ها و تعارض‌هایی در زمینه ارزش‌های اخلاقی و مقررات قانونی یک کشور اسلامی با نظام حقوق بشری اروپایی وجود دارد. بنابراین الگوبرداری کامل از آن نظام حقوقی، نه ممکن است و نه مطلوب، بلکه منظور از اعمال این الگو کاربرد آیین‌ها و سازوکار شکلی ناظر بر مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دادرسی ناظر بر تضمین حقوق بشر است. برای درک و تبیین مطلوبیت این الگوبرداری، موضوع را در پرتو اهداف و اصول نظام اسلامی و مبانی قانونی نظام قضایی باید مطالعه کرد. اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرامت و ارزش والای انسان را در کنار اصول اعتقادی از پایه‌های نظام اسلامی معرفی می‌کند. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه (بند ۱۴ اصل ۳) نیز در کنار سایر تدابیر اصل ۳ برای تحقق اهداف جمهوری اسلامی مقرر شده است. بنابر این تأمین حقوق مردم و تضمین کرامت انسانی آنان در مناسبات اجتماعی به‌ویژه در قبال مقامات و دستگاه‌های دولتی، از اهداف و اصول نظام ج.ا.ا. است. برای تحقق این هدف، قوه قضاییه به‌عنوان پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و

1. Overview Of The Case-Law Of The European Court Of Human Rights

مسئول تحقق عدالت، طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی موظف به احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع شده است. به‌طور طبیعی دادگاه‌های عمومی متکفل رسیدگی به دعاوی بین افراد با یکدیگرند و فرض بر این است که افراد در آن موقعیت برابر دارند. اما در حالتی که طرف دعوای اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی، دستگاه‌ها و مقامات دولتی باشند و دعوای اداری واقع شود، وضعیت تا حدودی متفاوت است. بدین ترتیب که از لحاظ امکانات، اطلاعات و ظرفیت کارشناسی و نفوذ اجتماعی موقعیت متداعیین برابر نیست و طرف دولتی در موقعیت برتری قرار دارد و در نتیجه احتمال عدم تحقق عدالت و دادرسی منصفانه وجود دارد. پیش‌بینی و استقرار دادرسی اداری جدای از دادگاه‌های عمومی برای رفع این اشکال است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه و عنایت به این رویکرد و تجربه، در اصل ۱۷۳ به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، تأسیس دیوان عدالت اداری را پیش‌بینی کرده است و این نهاد متکفل رسیدگی به دعاوی اداری در ایران است و نقشی شبیه دیوان اروپایی حقوق بشر - هرچند متفاوت و محدودتر - دارد. اما هدف و موضوع اصلی مقاله حاضر این بود که تجربه‌ای جدید در دعاوی اداری و حقوق بشری را یعنی مشارکت و دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در این دادرسی را تبیین کنیم تا زمینه آشنایی، مطالعه و ارزیابی اجرای این الگو در دادرسی اداری داخلی فراهم شود. بر پایه این تحقیق، سازمان‌های غیردولتی در دیوان اروپایی حقوق بشر، مجازند به‌عنوان نماینده اشخاص خصوصی در دعوا شرکت کنند؛ در امور موضوعی و حکمی دعوا، اطلاعات و استدلال خود را بیان کنند و بر فرجام دادرسی تأثیرگذار باشند. در این حالت، شخصی که امکانات و اطلاعات کافی را برای شرکت در دادرسی ندارد، از این حمایت بهره‌مند می‌شود و موضع نابرابر او در مقابل دستگاه دولتی تقویت می‌شود، دادرسی در مسیر عادلانه جریان پیدا می‌کند. در فرضی که سازمان غیردولتی به‌عنوان یاردادگاه مشارکت دارد، دادگاه به اعتبار اطلاعات و ظرفیت کارشناسی مرتبط با موضوع دعوا، به یک سازمان مردم‌نهاد اجازه مشارکت در دادرسی را می‌دهد. در این حالت، سازمان غیردولتی طرف دعوا نیست و نقش آن کمک به دادگاه در کشف وقایع موضوعی مانند وقوع یک خسارت زیست‌محیطی یا تبیین جنبه‌های حکمی دعوا مانند ارائه لایحه و استدلال حقوقی خواهد بود. در این حالت، وجود یک منفعت عمومی مفروض است که دادگاه آن را تشخیص می‌دهد. اما در حالت سوم، سازمان غیردولتی در مقام شاکی وارد دادرسی می‌شود. این ورود مبتنی بر این پیش‌فرض است که یک سازمان غیردولتی آنچنان در حوزه‌ای معین مانند محیط زیست یا حقوق معلولان و مانند اینها دارای تجربه، اطلاعات و فعالیت داوطلبانه است که دادگاه اجازه طرح دعوا را به آن می‌دهد. در همه این حالات، وجود منفعت عمومی، اطلاعات مفید برای دادگاه و توان کارشناسی سازمان متقاضی شرکت در دادرسی برای دادگاه محرز می‌شود و

مشارکت این چنین سازمانی امر دادرسی منصفانه را تقویت می‌کند. در حالی که مطلوبیت چنین سازوکاری به اجمال اشاره شد، مسئله اصلی این است که زمینه این مشارکت و سازوکار در نظام قضایی ایران وجود دارد یا نه؟ پاسخ به این پرسش، تحقیقی جداگانه می‌طلبد و آن را باید در قواعد و رویه دیوان عدالت اداری جست‌وجو کرد. لکن در حد اشاره و طرح بحث و برای کمک به مطالعات آینده می‌توان گفت که ماده ۱۲ قانون تشکیلات دیوان، هر شخص حقیقی یا حقوقی را مجاز برای درخواست ابطال آرای دیوان دانسته و مرجع رسیدگی را نیز هیأت عمومی این دیوان تعیین کرده است. با این وصف، یک سازمان مردم‌نهاد دارای شخصیت حقوقی نیز می‌تواند چنین تقاضایی داشته باشد و علی‌الظاهر مانعی برای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در این بخش از دادرسی دیوان عدالت اداری وجود ندارد. علاوه بر این، از حیث شروع به دادرسی و طرح شکایت یا دادخواست، ورود به دادرسی در ماده ۱۷ تشکیلات دیوان منوط به ذی‌نفع بودن در دعواست و در نگاه نخست به نفع مستقیم و شخصی تفسیر می‌شود، ولی آیا مشابه آنچه در دعاوی دیوان اروپایی حقوق بشر بررسی شد، مجالی است تا نفع عمومی نیز بتواند معیار شرکت در دادرسی باشد؟ این مطلب جای بررسی و تفسیر موسع دارد؛ چه اینکه مبنای اصلی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در امور اجتماعی، مصلحت و منفعت عمومی است و سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل وصف داوطلبانه و داشتن هدف عام‌المنفعه قابلیت این نقش را دارند. مسیری که در پرونده‌های مورد مطالعه در دیوان اروپایی حقوق بشر طی شد، به پذیرش چنین تفسیری از مشارکت سازمان‌های غیردولتی انجامید، چراکه این سازمان‌ها در پرونده‌های مذکور مستقیم ذی‌نفع نبودند و نفع عمومی را دنبال می‌کردند. در نهایت مشارکت در قالب یاردادگاه نیز اگرچه مستند صریحی در قواعد دیوان ندارد، ولی جای مطالعه دارد. اگر اصل مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را در دادرسی اداری به نفع تحقق دادرسی منصفانه و احیای حقوق عامه بدانیم، زمینه مطالعه و تأمل در قواعد دیوان وجود دارد و رویه هیأت عمومی دیوان می‌تواند در این موضوع راهگشا باشد؛ به‌ویژه اینکه، قانونگذار در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، اجازه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را در دادگاه داده است. بر این اساس سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند در خصوص جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. با این اوصاف، نظام قضایی ایران با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی بیگانه نیست و زمینه مطالعه و به سرانجام رساندن مشارکت این سازمان‌ها در دادرسی اداری وجود دارد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. توحیدی، احمدرضا (۱۳۹۳)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان.
۲. طلائی، فرهاد (۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: جاودانه.
۳. غضنفری، هنگامه (۱۳۹۴)، *سازمان‌های غیردولتی و فرایند صلح بین‌الملل*، تهران: میزان.
۴. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل سازمان‌های غیردولتی*، تهران: خرسندی.
۵. مشهدی، علی؛ تسخیری، محمدصالح (۱۳۹۲)، *بایسته‌های حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: خرسندی.

ب) مقالات

۶. بیگزاده، ابراهیم؛ غضنفری، هنگامه (۱۳۹۱)، «نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در تحکیم صلح»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۹.
۷. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)*، ش ۲.
۸. طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۲)، «دادگاه اروپایی حقوق بشر، ساختار و صلاحیت‌های جدید»، *فصلنامه حقوق خصوصی*، ش ۵.
۹. عبیری، ارمغان (۱۳۹۱)، «نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حمایت از حقوق بشر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۲۲.
۱۰. قاسمی، غلامعلی؛ تسخیری، محمدصالح (۱۳۹۶)، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ش ۵۵.
۱۱. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۷۹)، «دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۲۵.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Anna-Karin, Lindblom (2014), *Non-Governmental Organisations in International Law*, Cambridge, Cambridge University Press.
2. Donna, Gomien (1996), *Law and Practice of the European Convention on Human Rights and the European Social Charter (1998)*, Strasbourg, Council of Europe Publishing.
3. David, Held (1995), *Democracy and the Global Order: From the Modern State to*

Cosmopolitan Governance, Stanford, Stanford University Press.

4. Ghazanfari, Hengame (2015), *NGOs and International Peas Process*, Tehran, Mizan Legal Foundation (In Persian).
5. Ghasemi, GholamAli (2013), *The International Law of NGOs*, Tehran, Khorsandi Publishing (In Persian).
6. Jean, Salmon (2001), *Dictionnaire de droit international public*, Bruxelles, Bruylant Publishing.
7. Maiani, Francesco (2016), *The Principle of Subsidiarity and the Margin of Appreciation Doctrine in the European Court Of Human Rights Post-2011 Jurisprudence*, Lausanne University Press.
8. Mashhadi, Ali; Taskhiri, Mohammadsaleh (2013), *Essential of NGOs Law*, Tehran, Khorsandi Publishing (In Persian).
9. Salamon et.al. (1996), *The Emerging Nonprofit Sector: An Overview*, Manchester University Press.
10. Tohidi, AhmadReza (2014), *The Law of International Organizations*, Tehran, Mizan Legal Foundation (In Persian).
11. Talaei, Farhad (2010), *The Law of International Organizations*, Tehran, Javedaneh publishing (In Persian).

B) Articles

12. Abiri, Armaghan (2012), "The Role of NGOs in Human Rights Protection in ECHR Practice", *Journal of Law Researches*, Vol.11, No.22 (In Persian).
13. Cichowski, Rachel, A. (2016), "The European Court of Human Rights, Amicus Curiae, and Violence against Women", *Law & Society Review*, Vol. 50.
14. Dolidze, Anna (2016), "Bridging Comparative and International Law: Amicus Curiae Participation as a Vertical Legal Transplant", *The European Journal of International Law*, Vol. 26, No. 4.
15. Dinah, Shelton (1994), "The Participation of Nongovernmental Organizations in International Judicial Proceedings", *American Journal of International Law*, Vol. 88.
16. Eynde Laura, Van den (2013), "An Empirical Look at the Amicus Curiae Practice of Human Rights NGOs Before the European Court of Human Rights", *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 31, No.3.
17. Heidi Nicolas, Haddad (2012), "Judicial Institution Builders: NGOs and International Human Rights Courts", *Journal of Human Rights*, Vol. 11.
18. Ghazanfari, Hengameh; Beygzadeh, Ebrahim (2011), "The role of international NGOs in consolidating peace", *Journal of law Research*, Vol. 15, No.9 (In Persian).
19. Ghasemi, Gholam Ali; Taskhir, Mohammad saleh (2017), "International Legal Personality of Non-Governmental Organizations", *Journal of Public Law*, Vol. 19, No.55 (In Persian).
20. Ghari Seyyed Fatemi, Seyyed Mohammad (2000), "The New European Court of Human Rights", *Journal of International Law*, Vol. 18, No.25 (In Persian).
21. Lloyd Hitoshi, Mayer (2011), "NGO Standing and Influence in Regional Human Rights Courts and Commissions" *Scholarly Works*. Paper 54.

22. Ramezani ghavamabadi, Mohammad hosein (2008), "The Presence of NGOs before International Tribunals", *Journal of Private Law Studies*, Vol. 38, No.2 (In Persian).
23. Tabatabaee, Seyed Ahmad (2003), "The European Court of Human Rights", *Journal of Law Thoughts*, Vol. 1, No.5 (In Persian).

C) Thesis

24. Rietveld, M.F (2015), "NGO Participation in Regional Human Rights Systems, A Comparison of Europe and the Americas", *Faculty of Social & Behavioral Sciences*, Leiden University, Thesis, Master Degree in Political Science, available at:
<https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/handle/1887/33629/Rietveld-Myrines-1580868-MA%20Thesis-2015.pdf?sequence=1>

D) Documents

25. European Convention on Human Rights (1950). available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Convention_ENG.pdf
26. European Convention on the Recognition of the Legal Personality of INGOs (1986). Available at: <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/124>
27. Overview Of The Case-Law Of The European Court Of Human Rights (2016). available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Short_Survey_2016_ENG.pdf
28. Overview Of The Case-Law Of The European Court Of Human Rights (2015). available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Short_Survey_2015_ENG.pdf
29. Overview Of The Case-Law Of The European Court Of Human Rights (2014). available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Short_Survey_2014_ENG.pdf
30. Protocol 11 of Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (1994). available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Library_Collection_P11_ETS155E_ENG.pdf
31. Rules of Procedure of the European Court of Human Rights (2018). available at: https://www.echr.coe.int/Documents/Rules_Court_ENG.pdf

E) Blogpost

32. Mathews, Jessica (1997). Power Shift, Foreign Affairs available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/1997-01-01/power-shift>